

ارتباط شهادت امام حسین علیه السلام با «ذبح عظیم» در آیه ۱۰۷ سوره صافات

علیرضا نوری فروشانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

چکیده

ظاهر روایات در بیان ذبح عظیم در آیه ۱۰۷ سوره صافات مختلف است. برخی بر شهادت امام حسین علیه السلام و برخی بر قوچ دلالت دارند. بنابراین چگونه آیه می‌تواند دلالت بر عظمت شهادت حضرت داشته باشد در حالی که ذبح عظیم گوسفند آسمانی دانسته شده است؟ آیا دلالت آیه بر عظمت شهادت امام علیه السلام به دلالت ظاهر است یا باطنی و نمی‌توان رابطه ظاهر آیه را با آن درک کرد؟ این پرسش‌ها، دغدغه‌هایی هستند که در فهم و ارتباط آیه با شهادت امام حسین علیه السلام بسیار تاثیر گذارند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که ارتباط عمیقی

۱. سطح سه حوزه اصفهان، دانشجوی کارشناسی ارشد کلام و عقاید دانشگاه قران و حدیث.
an1142287440@gmail.com

بین ظاهر آیه و عظمت شهادت امام علیه السلام وجود دارد و مقصود از ذبح عظیم، قوچ آسمانی ذبح شده توسط ابراهیم علیه السلام نیست. کلیدواژه‌ها: آیه ۱۰۷ سوره صافات، ابراهیم علیه السلام، امام حسین علیه السلام، ذبح عظیم.

مقدمه

آیات فراوانی در مجموعه روایات شیعی به فضائل امام حسین علیه السلام اختصاص داده شده است که ارتباط آنها مورد توجه و تمرکز دانشمندان بوده است. یکی از این آیات، آیه ۱۰۷ سوره صافات است که در مقام بیان عظمت شهادت امام حسین علیه السلام شناخته می شود. با وجود اینکه تنها یک روایت آن هم صحیح السند به این نکته اشاره دارد و مابقی روایات ذیل این آیه و آیات قبل از آن دلالتی بر امام حسین علیه السلام ندارد این سوال مطرح می شود که آیا آن یک روایت به بیان بطن آیه توجه دارد و ظاهر آیه هیچ مناسبتی با عظمت شهادت امام حسین علیه السلام ندارد؟ به نظر نگارنده ظاهر آیه ارتباط مستقیمی با روایت امام رضا علیه السلام داشته و حضرت در آن روایت درصدد بیان مصداق بوده است. ظاهر آیه و سیاق آیات قبلش نشان می دهد که ذبح عظیم نمی تواند برای فرزند ابراهیم علیه السلام باشد. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی نظرات تفسیری موجود ذیل این آیه و تأمل در روایات موجود می پردازد. پژوهش مستقلی در رابطه با این آیه شریفه و ارتباط آن با امام حسین علیه السلام جز بحثی کوتاه از شیخ هادی طهرانی صاحب کتاب الولایه و المقتل صورت نگرفته و ایشان نیز به حل تنافی روایات و سیاق آیات نیز پرداخته است.

۱. دیدگاه مفسران

مفسران آیه ۱۰۷ سوره صافات را از چند جهت مورد بررسی قرار داده اند: الف) معنای فداء؛ ب) ضمیر در فدیناه؛ ج) مصداق ذبح و چرایی اطلاق ذبح؛ د) توصیف ذبح به عظیم. این پژوهش به بررسی جهات ذکر شده می پردازد:

۱.۱. معنای فداء و مرجع ضمیر در «فدیناه»

برخی معتقدند فداء به چیزی گفته می‌شود که به جای چیز دیگری برای دفع ضرر از آن شیء قرار داده می‌شود (طوسی، بی تا: ۵۲۰/۸؛ نظام الدین نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵۷۳/۵) و برخی دیگر آن را اعطاء چیزی، بدل از حق دانسته‌اند (ابن عاشور، بی تا: ۶۸/۲۳). بنابراین می‌توان گفت از نگاه مفسرین، فداء در جایی به کار می‌رود که چیزی را در جایگاه چیز دیگری قرار دهند به نحوی که مفدی به در رتبه ثانی و متاخر از مفدی عنه قرار داشته باشد و به عبارت دیگر مفدی عنه اصل و دیگری فرع آن باشد و به بیان اخر شیء دوم در ارزشمندی از شیء اول پایین تر تلقی شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۴۴). در لغت نیز این معنی قابل ملاحظه است از همین رو به مالی که برای نجات اسیر پرداخت می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۶۵) و نیز به کفاره در برابر ذمه مشغول فدیة گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۷). بنابراین چند نکته در معنی فداء قابل ملاحظه است: اول اینکه فداء بدل و عوض آوردن است؛ دیگر آنکه شیء اول مقدم بر شیء دوم است؛ سوم اینکه به شیء اول شیء دوم رها شده و خلاصی می‌یابد. در این صورت در هر فدائی چهار امر وجود دارد: الف) شخص فدیة دهنده یا مفدی؛ ب) مفدی به یا فدیة یا شیء که برای رها شدن شیء دیگری توسط مفدی اعطا می‌شود؛ ج) مفدی عنه یا همان شیء ای که به خاطرش فدیة داده می‌شود؛ د) امری که قصد رها شدن مفدی عنه از آن به اعطای مفدی به وجود دارد.

در آیه شریفه ۱۰۷ سوره صافات، مفدی حضرت ابراهیم علیه السلام، فدیة کبش و گوسفند آسمانی، مفدی عنه اسماعیل و ذبح امری است که رها شدن اسماعیل علیه السلام به آن قصد شده است. ولی چون مقام فداء در امر ذبح مقام عبودیت و بندگی ابراهیم علیه السلام بوده و شارع باید فدیة را بپذیرد تا فداء محقق شود، جعل فدیة بودن چیزی برای چیزی نیز به اراده اوست و امتنانی بر عبد در مقام بندگی است. پس در آیه مذکور، فدیة آوردن به خداوند نسبت داده شده است چون جعل الهی سبب فداء شدن کبش برای اسماعیل علیه السلام بوده است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۶/۵).

سؤال اساسی این است که آیا آیه در مقام بیان فدیة کبش به جای اسماعیل علیه السلام است

و این توجیهاات در مورد فداء با آیه تطابق دارد؟ یا اینکه معنای دیگری از آیه مراد است؟ در هر حال آیه در مقام بیان فداء اسماعیل علیه السلام نیست (نک. ادامه مقاله).

مفسرین غالباً ضمیر را راجع به ولد ابراهیم علیه السلام می دانند و بنا بر اختلافی که در مستندات روایی و تاریخی وجود دارد برخی مرجع آن را اسحاق (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۶۱۵/۳) و برخی دیگر اسماعیل می دانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۰۷/۸). برخی نیز به مصداق آن نپرداخته و علت عدم ذکر اسم فرزند ابراهیم علیه السلام را این دانسته اند که مقام بیان عظمت عبودیت ابراهیم علیه السلام به تسلیم او به ذبح ولد بوده و بیان نام فرزند ابراهیم علیه السلام دخالتی در غرض نداشته است (ابن عاشور، بی تا: ۶۹/۲۳).

به نظر می رسد علاوه بر اینکه روایات شیعی به طور غالب بر ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام دلالت دارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۰۷/۸) روایات دال بر مصداق ضمیر بودن اسحاق، در مقام تقیه صادر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۵/۱۲). همچنین سیاق آیه به همراه آیات قبل نشان می دهد که اگر در مقام بیان عظمت ابراهیم علیه السلام در راستای عبودیت است در مقام بیان عظمت فرزند او نیز هست و مقام، همانطور که اقتضای ذکر نام ابراهیم علیه السلام را برای تعظیم دارد ذکر نام فرزند او را نیز دارد. مضافاً اینکه سیاق آیات بعد و قبل داستان ذبح، مربوط به ولدی است که از او به «غلام حلیم» تعبیر شده و بشارت او به ابراهیم علیه السلام داده شده بود. ماجرای ذبح بشارت به اسحاق نشان می دهد که غلام حلیم که مورد امتحان ذبح بوده غیر از اسحاق است و همین قرینه مکفی از ذکر نام اسماعیل علیه السلام است لذا مقام اقتضای ضمیر دارد و نیازی به ذکر اسم نیست. در برخی از روایات همانند روایت برید بن معاویه از امام صادق علیه السلام به این خصوصیت سیاق و تعدد بشارت ها اشاره شده است؛ از حضرت سؤال شد که بین دو بشارت ابراهیم علیه السلام چه مقدار فاصله بوده است؟ حضرت در جواب مقدار پنج سال را بیان می کنند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۲۱/۴) که نشان می دهد سائل از آیه شریفه بشارت متعدد و ولد متعدد فهمیده است به همین خاطر چنین سؤالی را طرح می کند و حضرت نیز سؤال او را ناصحیح تلقی فرموده اند.

۲.۱. علت به کارگیری لفظ «ذبح» و مصداق آن و اتصاف «ذبح» به وصف «عظیم»

مسئله دیگر در آیه شریفه ۱۰۷ سوره صافات، این است که چرا به مذبوحی که فدیه اسماعیل علیه السلام واقع می شود «ذبح» اطلاق شده است. به عبارت دیگر چون ذبح در ظاهر مصدر است و از طرفی مفسرین معتقد هستند که ذبح عظیم، فداء اسماعیل علیه السلام است پس معنی مصدری یعنی ذبح کردن نمی تواند فدیه برای اسماعیل باشد چون هیچ تناسبی بین آنها وجود ندارد و باید بین فداء و مفدی عنه سنخیت و تناسب باشد. پس لزوما مقصود از ذبح، شیء مذبوح است. علاوه بر اینکه ذبح به کسر، مصدر ثانی است و به اعتقاد مفسرین، غالبا، مصدر ثانی به معنی اسم مفعول به کار می رود (ابن عاشور، بی تا: ۶۸/۲۳). بنابراین ذبح از این جهت به جای لفظ مذبوح به کار رفته زیرا کبش آسمانی قبل از اینکه ذبح شود فداء قرار داده شده است و این آیه در مقام جعل او به عنوان فداء است و همین که اقتضاء ذبح شدن را داشته باشد برای موضوع فداء واقع شدن کافی است و فعلیت وقوع ذبح نه تنها لازم نیست بلکه منافات با جعل دارد و از آن رو که مذبوح فی حد نفسه دلالت بر فعلیت دارد ولی ذبح بر اقتضاء دلالت دارد بنابراین در این آیه از لغت «ذبح» استفاده شده است. به همین خاطر غالب مفسرین در تفسیر آن از عبارت «مایدبح» یا «ما اعددت للذبح» استفاده کرده اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۸۲/۴؛ فراء، ۱۹۸۰: ۳۹۰/۲).

ولی در مورد مصداق ذبح، تمامی مفسرین (شیعه و سنی) اتفاق نظر دارند که کبش آسمانی مقصود است. اگر چه در جزئیات نزول آن اختلاف نظر وجود دارد ولی در اصل اینکه مقصود از ذبح عظیم، کبش و گوسفند اعطائی الهی است اختلافی نیست. در حالی که گفتن ذبح و اراده مذبوح و شیء ای همانند کبش حرف صحیحی نیست چون در صورتی می تواند مصدر ثانی به کار رود و مقصود اسم مفعول باشد که در وجود خارجی، مصدر با اسم مفعول اتحاد داشته باشد همانند خلق و مخلوق، لفظ و ملفوظ و غیراینها و گرنه اراده مفعول از مصدر مسوغی نخواهد داشت (بهبهانی، ۱۴۲۲: ۲۲؛ طهرانی، بی تا: ۱۶۸). پس ذبح به همان معنای حدیثی مقصود است و معنی جز حدیث ذبح ندارد. در این صورت اراده کبش و قوچ از ذبح دچار اشکال است. در این صورت

چیز دیگری مقصود است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در اتصاف «ذبح» به «عظیم» مفسران با دو پرسش اساسی روبه‌رو هستند، ابتدا اینکه عظیم چه نوع صفتی برای ذبح است، حقیقی یا سببی است؟ دوم اینکه مقصود از عظیم بودن ذبح چیست؟ این دو پرسش به نحوی با یکدیگر در ارتباط مستقیم هستند که نوع دیدگاه در پرسش دوم در پاسخ به پرسش اول تأثیر مستقیم دارد.

این صفت، صفت حقیقی برای ذبح است و عظمت آن از آن جهت است که «من عند الله» است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵۳/۱۷). برخی آن را صفت حقیقی ذبح می‌دانند و عظیم بودنش را از جهت مقبول بودن آن دانسته‌اند و برخی دیگر معتقد هستند که ناظر به جسه کبش است پس عظیم به معنی کبیر و عظیم الجسه است و برخی نیز معتقدند که چون عظیم البرکت است ذبح متصف به عظیم شده است و برخی دیگر آن را نعت سببی دانسته و معتقد هستند که چون این کبش فداء برای شخص عظیم القدری قرار گرفته به عظیم به نحو سببی متصف شده است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۱۵۷/۸) و برخی دیگر آن را عظیم به نعت سببی از جهت عظمت آثار دانسته‌اند که رهایی نبی خداوند از ذبح شدن بوده است (ابن عاشور، بی تا: ۶۹/۲۳).

بنابراین در اتصاف ذبح به عظیم با فرض اینکه مقصود از آن کبش و گوسفندی است که ابراهیم علیه السلام به جای فرزندش ذبح کرد، اختلاف وجود دارد و این نشان می‌دهد که اتصاف گوسفندی این چنینی به عظمت، غریب به نظر می‌رسد و نیاز به توجیه و توضیح دارد و لا اقل آیه از این جهت، متشابه خواهد بود وگرنه این همه اختلاف در بیان آن وجود نداشت.

از طرفی بین مجموعه روایات، نمی‌توان دلالتی بر هیچ یک از این توجیهات مذکور برای اتصاف کبش به عظمت یافت مگر روایتی از امام صادق علیه السلام که ظاهراً دلالت دارد بر اینکه ذبح عظیم همان کبش است و عظمتش از جهت این بوده که در مکان مناسبی زندگی کرده و رشد مناسب یافته است (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۳۱/۲). در حالی که این روایت نمی‌تواند چنین دلالتی داشته باشد. علاوه بر این با توجه به آنچه مفسرین بیان کرده‌اند آیه شریفه در مقام بیان عظمت مذبوحی است که عوض از اسماعیل قرار داده شده در

حالی که مذبح از آن جهت که مفدی به است نمی تواند دارای جایگاهی بالاتر از اسماعیل # همانطور که در معنی فداء اشاره شد، باشد و دیگر اینکه خصوصیتی برای ذبح وجود ندارد تا کبش را در نظر الهی عظیم نشان دهد تا جایی که نیاز به بیان آن وجود داشته و مقام وحی نیز اقتضای آن را داشته باشد یعنی در جایگاهی از اهمیت باشد که وحی الهی به بیان عظمت آن تعلق گرفته و خداوند اخبار از عظمت آن را برعهده بگیرد، علاوه بر این اگر عظمتی هم باشد از ناحیه اسماعیل علیه السلام است و به تبع عظمت اسماعیل علیه السلام است که مذبح مذکور دارای عظمت است و این مطلب با ظاهر وصف با و توجه به اینکه ظهور در حقیقی بودن دارد، منافی است.

۲. نگاه روایات در معنی «ذبح عظیم»

روایات ذیل آیه شریفه جز حدیث امام رضا علیه السلام در کتاب خصال و عیون الاخبار، ناظر به بیان مصداق فدیة و فرزند ابراهیم علیه السلام است و نه تنها دلالت روشنی بر ابهامات تفسیری آیه ندارد، بر نظارت آیه نسبت به امام حسین علیه السلام و شهادت ایشان نیز دلالت نمی کند. لذا ابتدا حدیث شریف امام رضا علیه السلام بررسی می شود و سپس ارتباط این روایت با روایات دیگر و آیه شریفه را مورد بحث قرار می دهیم تا بتوانیم رابطه آیه شریفه با فضیلت امام حسین علیه السلام را بررسی کنیم.

۲۰۱. بررسی روایت خصال از امام رضا علیه السلام

صدوق (۱۳۶۲: ۵۹/۱) در کتاب خصال آورده است:

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ دُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ لَنَا أَمْرٌ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبرَاهِيمَ علیه السلام أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبْشِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَتَّى إِبرَاهِيمَ علیه السلام أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبْشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعَزُّ لِدِهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ أَزْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمُصَاتِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَفْهَوُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسُكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ

نَفْسِي قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وُلْدُكَ قَالَ بَلْ وُلْدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي
 أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وُلْدِكَ بِبَيْدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى
 أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ
 الْحُسَيْنَ إِنَّهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا كَمَا يُذْبِحُ الْكَبِشُ وَيَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي
 فَجَزَعَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ لِذَلِكَ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ بَيْنِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا
 إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ بِبَيْدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ
 قَتْلِهِ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَزْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمُصَابَةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ؛

فضل بن شاذان می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: «چون خداوند متعال ابراهیم علیه السلام را امر فرمود که به جای فرزندش اسماعیل علیه السلام کبشی را که نازل فرمود ذبح کند، ابراهیم علیه السلام از خداوند تمنی و خواهش کرد که ذبح اسماعیل علیه السلام فرزندش به دست خودش باشد و اینکه او را به ذبح کبش به جای اسماعیل علیه السلام امر نفرماید تا اینکه به قلبش آن مصیبتی وارد شود که به قلب پدری که عزیزترین فرزنداش را به دستش ذبح می‌کند وارد شود تا اینکه به این مصیبت استحقاق بالاترین درجه از درجات اهل ثواب بر مصائب را پیدا کند، بنابراین خداوند سبحان به ایشان وحی فرمود که ای ابراهیم علیه السلام محبوب‌ترین خلق من نزد تو کیست؟ ابراهیم علیه السلام بلافاصله جواب داد: ای پروردگار من خلقی را محبوب‌تر از حبیب تو، محمد صلی الله علیه و آله و سلم در نزد من نیافریده‌ای پس خداوند متعال به ایشان وحی فرمودند: خودت را بیشتر دوست می‌داری یا او را؟ ابراهیم علیه السلام جواب داد: بلکه ایشان در نزد من از خودم محبوب‌تر است. خداوند متعال فرمود: فرزند او پیش تو محبوب‌تر است یا فرزند خودت؟ ابراهیم علیه السلام جواب داد: بلکه فرزند ایشان، خداوند متعال فرمود: ذبح فرزند او از روی ظلم به دست دشمنانش قلب تو را به بیشتر به درد می‌آورد یا ذبح فرزندت به دست خودت در مقام طاعت من؟ ابراهیم علیه السلام جواب داد: ای پروردگار من بلکه ذبح فرزند ایشان به دست دشمنانش قلب من را بیشتر به درد می‌آورد. خداوند متعال فرمود: ای ابراهیم علیه السلام به درستی که طائفه و گروهی که گمان می‌کنند از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند حسین علیه السلام فرزند او را بعد از ایشان از روی ظلم و جفا خواهند کشت

همانطور که کبش را ذابحی ذبح می‌کند و به سبب این عمل لایق سخط و غضب من خواهند شد، پس ابراهیم علیه السلام به خاطر این امر جزع کرد و قلبش به درد آمد و گریان شد. پس خداوند متعال فرمود: ای ابراهیم علیه السلام به تحقیق که جزع تو بر فرزندت اسماعیل علیه السلام را در فرض ذبح او به دست خودت را به سبب جزع کردنت بر حسین علیه السلام و قتل ایشان را فدیة دادم و بالاترین درجات ثواب بر مصیبت را بر تو واجب داشتم {و حضرت رضا علیه السلام فرمودند} و همین است معنی قول خداوند متعال که فرمود: وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ.

این روایت از جهت سند ظاهراً دچار اشکال نیست چون فضل بن شاذان که امامی ثقة است و وی را جلیل القدر معرفی کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷) و علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری نیز که از شاگردان و ملازمان فضل بوده؛ از محدثانی است که کشی بر او اعتماد کرده و این اعتماد را نجاشی گزارش کرده است (همان، ۲۵۹). لذا می‌توان اعتماد کشی و عدم اعتراض نجاشی را دلیل بر وثاقت او دانست؛ علاوه بر این عده‌ای از معاصرین نیز به وثاقت او تصریح کرده‌اند (نمازی، ۱۴۱۴: ۴۶۶/۵). عبد الواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری که از مشایخ صدوق است و وی را در مشیخه خود ذکر کرده است و خویی (بی‌تا: ۳۸/۱۱) از او نقل می‌کند که اینک صدوق تصریح کرده است که او در نزد من اصح است و این اصح بودن ناظر به وثاقت است ولی خویی معتقد است که بر بیشتر از حجیت روایتش در نزد صدوق دلالت ندارد. با این وجود همین مقدار در صحت روایت مذکور کافی است و صدوق نیز از مشایخ ثلاث است و جای بحثی وجود ندارد. به هر حال سند این روایت قابل خدشه نبوده و به دلالت آن می‌پردازیم. با توجه به مضامین روایت شریفه می‌توان نکات زیر را استخراج کرد:

۱. فداء بودن حزن بر مصایب امام حسین علیه السلام به جای مصیبت بر فرزند، بعد از فدیة کبش به جای ذبح فرزند مطرح شده یعنی خداوند برای فرزند ابراهیم علیه السلام فدیة قرار داد و او را مأمور کرد که کبش را به جای فرزندش قربانی کند. خداوند در مواجهه با درخواست ابراهیم علیه السلام حزن بر مصائب امام حسین علیه السلام را فدیة و عوض حزن بر مصیبت ذبح ولد به دست خود ابراهیم علیه السلام قرار داد.

۲. امر به ذبح اسماعیل علیه السلام به غرض تحصیل مقاماتی بوده که تنها از این طریق حاصل می‌شده و ابراهیم علیه السلام به آن آگاهی داشته است و فداء برای اسماعیل علیه السلام از منظر ابراهیم علیه السلام او را از این مقامات که ترفیع در بندگی بوده، دور می‌کند.
۳. حزن بر مصائب امام حسین علیه السلام باعث ایجاد و رسیدن ابراهیم علیه السلام به درجات بالاتر عبودیت نسبت به حزن بر مصائب ذبح فرزند بوده و به ابتلاء به آن قرب بیشتری حاصل می‌شده و ابراهیم علیه السلام به آن آگاهی نداشته است.
۴. ظاهراً روایت دلالت دارد بر اینکه امر به ذبح فرزند، برای توجه ابراهیم علیه السلام به مقامات بندگی تام بوده که با توجه به روایات همان مقام امامت است (طهرانی، بی‌تا: ۱۶۸-۱۷۰). راه ورود به آن مقامات ابتلائات سخت است. فدیة به جای ذبح فرزند برای آماده کردن ابراهیم علیه السلام و فعلیت یافتن لیاقت او برای کسب آنهاست به وسیله معرفت یافتن وی به اینکه این مقامات به ذبح فرزند و مصیبت بر او حاصل نمی‌شود. زیرا آنچه به ابتلاء به ذبح ولد کسب می‌شود صبر بر مصیبت وارد بر محبوب خود انسان است. صبر بر حزن آن کس که محبوب خدا است بعد از مقدم کردن محبوب خدا بر هر آنچه محبوب خود انسان است.
۵. این بیان را حضرت رضا علیه السلام توضیح آیه ۱۰۷ صافات دانسته‌اند و می‌فرمایند: «وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ».
۶. ظهور روایت در این است که ذبح عظیم که شهادت امام حسین علیه السلام است سبب شده تا همانند ابراهیم علیه السلام بتواند به حزن و جزع بر مصائب آن به مقامات بندگی تام نائل شود و نیازی به ذبح فرزند برای دسترسی به مقامات نداشته باشد در حالی که ذبح ولد نمی‌تواند او را به مقامی برساند که حزن و جزع بر امام حسین علیه السلام می‌رساند.
- بنابراین با توجه به حدیث شریف امام رضا علیه السلام این آیه ناظر به قرار دادن کبش به عنوان فداء برای اسماعیل علیه السلام نیست؛ اگرچه سیاق آیات سابق بر این آیه چنین دلالتی دارد. به عبارت واضح تر آیات سابق یعنی از آیه ۱۰۱ تا ۱۰۶ سوره صافات دلالت بر امر به ذبح و فدیة دارد ولی آیه ۱۰۷ ناظر به واقعه‌ای بعد از جریان فدیة اسماعیل علیه السلام است. برخی از روایات نیز به این مطلب اشاره دارد به عنوان مثال در روایتی طویل از امام صادق علیه السلام آمده است:

..... ثم أمره الله بالذبح فإن إبراهيم ع حين أفاض من عرفات بات على المشعر الحرام و هو فزع فرأى في النوم أن يذبح ابنه إسحاق وقد كان إسحاق حج بوالدته ساره فلما انتهى إلى منى رمى الجمره هو وأهله وأمرأهله فسارت إلى البيت واحتبس الغلام فانطلق به إلى موضع الجمره الوسطى فاستشار ابنه وقال كما حكى الله «يا بني إني أرى في المنام أني أذبحك فانظر ما ذا ترى» فقال الغلام كما حكى الله امض كما أمرك الله به «يا أبت افعل ما تؤمرستجدني إن شاء الله من الصابرين» وسلما لأمرالله، و أقبل شيخ فقال: يا إبراهيم ما تريد من هذا الغلام قال أريد أن أذبحه فقال سبحان الله! تذبح غلاما لم يعص الله طرفه عين! فقال إبراهيم إن الله أمرني بذلك فقال ربك ينهاك عن ذلك وإنما أمرك بهذا الشيطان، فقال له إبراهيم ويلك إن الذي بلغني هذا المبلغ هو الذي أمرني به والكلام الذي وقع في أذني فقال لا والله ما أمرك بهذا إلا الشيطان فقال إبراهيم لا والله لا أكلمك ثم عزم إبراهيم على الذبح، فقال يا إبراهيم إنك إمام يقتدى بك وإنك إن ذبحته ذبح الناس أولادهم فلم يكلمه وأقبل إلى الغلام فاستشاره في الذبح فلما أسلما جميعا لأمرالله قال الغلام يا أبت خمر وجهي وشد وثاق فقال إبراهيم يا بني الوثاق مع الذبح لا والله لا أجمعهما عليك اليوم فرمى له بقرطان الحمار ثم أضجعه عليه وأخذ المديه فوضعها على حلقه ورفع رأسه إلى السماء ثم انتحى عليه المديه فقلب جبرئيل المديه على قفاها واحتر الكبش من قبل ثبير وأثار الغلام من تحته ووضع الكبش مكان الغلام ونودي من مسيره مسجد الحيف «أن يا إبراهيم قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين إن هذا لهوالبلاء المبين» (قسي، ١٣٦٣: ٢٢٤/٢-٢٢٥).

با توجه به این روایات واقعه ذبح فرزند و فداء كبش به جای فرزند ابرهیم علیه السلام مربوط به آیات قبل از آیه ١٥٧ سوره صافات است. به همین علت است که در این روایت، داستان امر به ذبح و فدیة قرار دادن خداوند متعال برای فرزند مربوط به آیات قبل دانسته شده و امام صادق علیه السلام آن آیات را شاهد ماجرا تلقی فرموده اند. بنابراین روایت امام رضا علیه السلام هیچ منافاتی با روایت امام صادق علیه السلام ندارد تا لازم باشد روایت امام رضا علیه السلام را حمل بر باطن آیه کنیم و روایت امام صادق علیه السلام را ناظر به ظاهر آیه بدانیم.

ممکن است برخی از احادیث مثل خبر امام صادق علیه السلام در کتاب من لایحضرنا منافی با بیان مذکور بدانیم. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

و سئِلَ الصَّادِقُ عليه السلام أَيَّنَ أَرَادَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَذْبَحَ ابْنَهُ فَقَالَ عَلَى الْجُمْرَةِ الْوُسْطَى وَ لَمَّا أَرَادَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَذْبَحَ ابْنَهُ عليه السلام قَلَبَ جَبْرَائِيلُ عليه السلام الْمُدْيَةَ وَ اجْتَرَ الْكَبْشَ مِنْ قَبْلِ شَبِيرٍ وَ اجْتَرَ الْغَلَامَ مِنْ تَحْتِهِ وَ وَضَعَ الْكَبْشَ مَكَانَ الْغَلَامِ وَ نُودِيَ مِنْ مَيْسِرَةِ مَسْجِدِ الْحَيْفِ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ يَعْنِي بِكَبْشٍ أَمْلَحَ يَمْشِي فِي سَوَادٍ وَيَأْكُلُ فِي سَوَادٍ وَيَنْظُرُ فِي سَوَادٍ وَيَبْعُرُ فِي سَوَادٍ وَيَبُولُ فِي سَوَادٍ أَفْتَرَنَ فَحَلَّ وَ كَانَ يَزْتَعُ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَرْبَعِينَ عَامًا (صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۲۳۱).

با توجه به این روایت، حاصل می شود که امام عليه السلام در صدد بیان و توضیح ذبح عظیم است و آن را با عبارت «یعنی» به کبش املح تفسیر فرموده لیکن با توجه به روایت دیگری از امام رضا عليه السلام که در مضامین با روایت مذکور تناسب دارد نه تنها لغت «یعنی» وجود ندارد که سیاق روایت نیز دلالتی بر تفسیر ذبح عظیم به کبش ندارد.
امام رضا عليه السلام می فرماید:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام عَنْ مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ ص أَنَا ابْنُ الذَّبِيحَيْنِ قَالَ يَعْنِي إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ الْحَلِيلِ عليه السلام وَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَمَّا إِسْمَاعِيلُ فَهُوَ الْغَلَامُ الْحَلِيمُ الَّذِي بَشَّرَ اللَّهُ بِهِ إِبْرَاهِيمَ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ وَ لَمْ يَقُلْ لَهُ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا رَأَيْتَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا عَزَمَ عَلَى ذَبْحِهِ فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ بِكَبْشٍ أَمْلَحَ يَأْكُلُ فِي سَوَادٍ وَيَشْرَبُ فِي سَوَادٍ وَيَنْظُرُ فِي سَوَادٍ وَيَمْشِي فِي سَوَادٍ وَيَبُولُ وَ يَبْعُرُ فِي سَوَادٍ وَ كَانَ يَزْتَعُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَرْبَعِينَ عَامًا وَ مَا خَرَجَ مِنْ رَجِيمٍ أَنْتِي وَ إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ لَهُ كُنْ فَكَانَ لِيَفْدِي بِهِ إِسْمَاعِيلَ فَكُلُّ مَا يُذْبَحُ مِنِّي فَهُوَ فِدْيَةٌ لِإِسْمَاعِيلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَهَذَا أَحَدُ الذَّبِيحَيْنِ..... (صدوق، ۱۳۶۲: ۱/۵۶).

در این روایت شریف با توجه به اینکه از امام عليه السلام روایت محل بحث صادر شده و روایت محل بحث به جهت صراحت و اظهاریت در مفاد مقدم بر این روایت و مفسر آن است لذا با توجه به این خبر می توان گفت مقصود امام عليه السلام در روایت مذکور این است که «چون خداوند عزم ابراهیم عليه السلام بر ذبح فرزندش را مشاهده کرد به سبب ذبح عظیم، ذبح فرزند را به کبشی فدیه داد». بنابراین باء در کبش، باء تغدیه یا عوض است و باء در ذبح

عظیم، بآء سببیت تا جمع بین روایات باشد بنابراین «بِكَبْشٍ أَمْلَحَ» بدل از «بِذْبِحِ عَظِيمٍ» نیست. پس در روایت امام صادق (ع) «یعنی» یا از ناحیه راوی به روایت اضافه شده است. با توجه به اینکه مضمون دو روایت مشابه است و در روایت امام رضا (ع) این لفظ وجود ندارد یا اینکه این لفظ مفسر مفدی به است نه مفسر «بِذْبِحِ عَظِيمٍ».

مجلسی (۱۴۰۳: ۲۲۶/۴۴-۲۲۷) نیز احتمال سبب بودن بآء در «بِذْبِحِ عَظِيمٍ» را در ذیل روایت امام رضا (ع) محل بحث داده و آن را محتمل‌ترین فرض با وجود روایت امام (ع) دانسته است. اما روایاتی ظاهرش تفسیر و تبیین مصداق شخص مذبوح است همچون روایت امام صادق (ع):

قال: سألتناه عن صاحب الذبح، فقال: «إسماعيل» (قی، ۱۳۶۳: ۲/۲۲۶).

این دسته از روایات اگرچه در مقام تعیین فرزند ابراهیم (ع) است ولی هیچ دلالتی بر مفاد آیه ۱۰۷ این سوره ندارد و نمی‌تواند در دلالت آیه مذکور نقشی را ایفاء کند.

بنابراین سیاق آیات ۱۰۱ تا ۱۰۷ سوره صافات از دو اتفاق خبر می‌دهد. از آیه ۱۰۱ تا ۱۰۶ داستان امر ابراهیم (ع) به ذبح و سپس فداء آن به کبش خبر می‌دهد و در آیه ۱۰۷ از علت و سبب رسیدن ابراهیم (ع) به مقامات عالیه بندگی بدون ذبح فرزند خبر می‌دهد.^۱

بنابراین ظاهر آیه ۱۰۷ و آیات قبل از آن دلالت می‌کند بر اینکه خداوند متعال کبش را عوض ذبح اسماعیل (ع) و فداء برای او قرار داد؛ چون غرض از ذبح ولد به طریق اقوی و اعلی توسط ابتلاء او به مصائب شهادت و ذبح شدن امام حسین (ع) حاصل می‌شد و برای رسیدن به این مرتبه قابلیت لازم بود که ابراهیم (ع) این قابلیت را با عزم بر ذبح و تصدیق رویای خود و پذیرش این بلاء مبین در راه خداوند فراهم کرده بود و به مقام محسنین که اقتضای جزاء دارد رسید و لذا به سبب احسانی که در راه خداوند روا داشت، خداوند امر خود را برای او به مقدار ذبح کبش تقلیل داد و او را به ابتلاء به

۱. فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (۱۰۱) فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبِحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمُرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) فَلَمَّا أَتَمَمْنَا وَعْتَلَهُ اللَّجْبِينَ (۱۰۳) وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴) قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵) إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶) وَقَدْ تَنَاءَ بِذْبِحِ عَظِيمٍ (۱۰۷)

مصائب امام حسین علیه السلام جزاء داد. پس اگر این ذبح عظیم نبود هیچ راه و فرضی برای رسیدن ابراهیم علیه السلام به مقامات عالیه بندگی تا آن درجات وجود نداشت مگر ذبح فرزند و مصیبت زده شده به آن در حالی که این مقدار از مصیبت هم به مانند مصیبت بر مصائب امام حسین علیه السلام کارگشا و رساننده نبود. در نهایت آیه در مقام بیان عظمت ذبح و شهادت امام حسین علیه السلام است و نشان می دهد که هیچ چیزی حتی مصیبت بر مصائب فرزند نمی تواند انسان را به مقامات عالیه بندگی همچون مصیبت زدگی به مصائب امام حسین علیه السلام برساند.

با توجه به آنچه بیان شد می توان نتیجه گرفت که روایت امام رضا علیه السلام ناظر به این نیست که در آیه ۱۰۷ عبارت ذبح عظیم، مفدی به را بیان می کند و مفدی به، امام حسین علیه السلام است تا برای اعظم بودن اسماعیل علیه السلام محتاج به توجیهاات مرحوم مجلسی در ذیل روایت باشیم. لیکن علامه مجلسی بعد از بیان آن توجیهاات دیدگاه خودشان را درباره نظارت روایت بر آیه بیان می کند که می تواند موید برای توضیح نگارنده باشد.

مرحوم مجلسی در بحار الانوار ذیل این روایت می نویسد: اشکالاتی بر این خبر وارد شده، از جمله اینکه اگر مقصود از ذبح عظیم شهادت امام حسین علیه السلام باشد، مفدی عنه نباید از مفدی به، مقام والاتری داشته باشد، زیرا ائمه صلوات الله علیهم شریف تر از پیامبران اولی العزم بودند، پس چگونه می شود مقام پایین تری نسبت به کسانی غیر از انبیا داشته باشند؟ با اینکه ظاهر استفاده از کلمه فداء، عوض آوردن چیزی است با چیز دیگری که اهمیت و ارزش پایین تری از آن دارد. جواب می دهم که چون حسین علیه السلام از فرزندان اسماعیل علیه السلام بوده، بنابراین اگر اسماعیل علیه السلام ذبح می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود نمی آمد و همین طوره ائمه و پیامبران که از نسل اسماعیل علیه السلام بودند. به همین جهت در عوض ذبح اسماعیل علیه السلام، ذبح یکی از فرزندان او که حسین علیه السلام باشد قرار داده شد.

اینکه حسین علیه السلام فدای اسماعیل علیه السلام شده باشد در روایت وارد نشده، بلکه آمده است که جزع و گریه ابراهیم علیه السلام بر اسماعیل علیه السلام، با جزع و گریه بر حسین علیه السلام تعویض شد. ظاهراً بر این اساس، فداء معنای اصلی خود را ندارد بلکه معنای آن تعویض است. وقتی که

حضرت ابراهیم علیه السلام بر از دست دادن ثواب گریه بر مصیبت فرزند افسوس خورد، خداوند این ثواب را با امری که ثواب و ارزش بیشتری داشت عوض کرد که همان گریه بر مصیبت حسین 7 بود. نتیجه اینکه شهادت حسین علیه السلام امری قطعی و مقرر بوده و برای کشته نشدن اسماعیل علیه السلام نبوده است که آن اشکال وارد باشد. بر اساس آنچه ذکر کردیم، در این آیه دو احتمال وجود دارد: اول اینکه مضاف را در تقدیر بگیریم و بگوییم «فدیناه بجزع مذبوح عظیم الشان» و دوم این که باء سببیه باشد یعنی «فدیناه بسبب مذبوح عظیم بأن جزع علیه» و در هر دو تقدیر یا باید مضاف را در تقدیر گرفت و یا باید از باب مجاز در اسناد باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۲۲۶-۲۲۷).

با توجه به این توضیح از علامه مجلسی به طور کلی روایت ناظر است به اینکه ذبح عظیم سبب فداء بوده است نه مفدی به پس نیاز به توجیه بیان اعظمت اسماعیل علیه السلام بر ذبح امام حسین علیه السلام با توجه به برتری ایشان بر اسماعیل علیه السلام نیست. از طرفی چون سیاق آیات با کمک روایات نشان می دهد که فدیة آمدن کبش برای اسماعیل علیه السلام مفاد آیات مقدم بر آیه ۱۰۷ است و آیه مذکور برای بیان علت فدیة است پس بیان علامه مجلسی و توجیه ایشان، امری مقبول و شایسته به نظر می رسد.

نتیجه

با توجه به آنچه مفسرین در ذیل آیه ۱۰۷ صافات آورده اند و با توجه به روایات موجود در ذیل این آیه و تأملاتی که در جمع و توضیح روایات و ارتباط آنها با آیه انجام گرفت مشخص شد که: ۱- قاطبه مفسرین مقصود از ظاهر این آیه را بیان فداء قوچ به جای اسماعیل علیه السلام دانسته اند و در بیان عظمت این گوسفند دچار اختلاف و توجیحات دور از مقصود آیه شده اند؛ ۲- هیچ یک از مفسرین ظاهر آیه را ناظر به جریان شهادت امام حسین علیه السلام ندانسته اند و غالب آنها نیز به ارتباط آیه مذکور با شهادت امام علیه السلام اشاره نکرده اند؛ ۳- روایت مرحوم صدوق از امام رضا علیه السلام اشاره به ارتباط آیه با شهادت امام حسین علیه السلام دارد و ما بقی روایات یا در مقام تعیین فرزند ابراهیم علیه السلام هستند یا در مقام فدیة برای اسماعیل علیه السلام به گوسفند آسمانی و خصوصیات آنکه نوعاً در توضیح آیات قبل بوده

و هیچ دلالتی بر آیه محل بحث ندارند لذا منافاتی بین روایات دیده نمی‌شود؛ ۴- آیات ۱۰۱ تا ۱۰۶ با توجه به روایات ناظر به فداء کبش به جای فرزند ابراهیم علیه السلام است و آیه ۱۰۷ که مورد بحث است ناظر علیت فداء و چگونگی رسیدن ابراهیم علیه السلام به مقامات تام عبودیت و امامت است که داستان ذبح فرزند و فداء در واقع مقدمه برای این مرحله و توفیق مصیبت زده شدن او بر مصائب امام حسین علیه السلام و ذبح عظیم و نیل به آن مقامات است؛ ۵- «باء» در «بذبح عظیم» با توجه به مفاد روایت رضوی نمی‌تواند تفدیه یا عوض باشد بلکه باء سببیت تناسب بیشتری دارد.

منابع

- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشامی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق ابومحمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد



- بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- طهرانی، شیخ هادی (بی تا)، *الولایه والمقتل*، اهواز، انتشارات مکتبه دارالعلم ایت الله بهبهانی.
- فراء ابوزکریا، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، تحقیق احمد یوسف نجاتی، محمد علی نجار و عبدالفتاح اسماعیل، مصر، دارالمصریه.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، دارالهجره.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
- مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *فهرست نجاشی*، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
- نظام الدین نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- نمازی شاهرودی، شیخ علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران، ناشر فرزند مولف.

